

Gender Reading of Perceptual-Cognitive Wayfinding Ability with Emphasis on Emotional Intelligence in the Case study of Sajjad neighborhood of Mashhad

Shima Abedi^{1*}, Toktam Hanaee²,

1-*PhD Student, Department of Urban Planning, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

2-Associate Professor, Department of Urban Planning, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Abstract

Emotion is one of the influential factors in the field of psychology and can be related to factors such as self-awareness, self-management, social awareness, relationship management and wayfinding. Considering that thinking is essential in the perception process, then one of the components of emotional intelligence is also the facilitation of thinking, so the purpose of this research is to present a gender reading of the perceptual-cognitive ability of wayfinding with an emphasis on emotional intelligence. Therefore, the purpose of this research is to investigate the wayfinding behavior of women and men with an emphasis on emotional intelligence in Sajjad neighborhood. The research method in the present study is descriptive-analytical, and in this regard, field observations, questionnaires, and site visits were used to collect data. Based on the size of the community in Sajjad neighborhood, using Cochran's formula, the sample size was calculated to be 296 people, and the questionnaire was completed in the form of targeted sampling among overweight men. Data analysis for the effect of emotional intelligence on wayfinding has been done with inferential statistics tests in spss software, and Lone's test and Anova one-way variance test, t test have been analyzed. The results indicate that the wayfinding behavior of women and men is different and there is a direct relationship between emotional intelligence and routing of women and men. Women have higher self-awareness than men when it comes to wayfinding, and they also have more emotional ability and interpersonal sensitivity than men while performing this behavior in the environment. Men have stronger feelings than women in the process of wayfinding and determining the management path in the urban environment, and they have more self-confidence during this process.

Key words: Perception, self-awareness, emotional intelligence, wayfinding, Sajjad neighborhood

OPEN ACCESS Research Article

*Correspondence: Shima Abedi *
Shimaabedi67@gmail.com

Received: October 12, 2022
Accepted: May 22, 2023
Published: Summer 2023

Citation: Shima. A. (2023).

Gender reading of perceptual-cognitive wayfinding ability with emphasis on emotional intelligence in the case study of Sajjad neighborhood of Mashhad. Journal of Psycho Research and Educational Studies, 1(2): 68-86

[doi. 10.30495/psych.2024.1996975.1037](https://doi.org/10.30495/psych.2024.1996975.1037)

خوانش جنسیتی توانایی ادراکی - شناختی مسیریابی با تاکید

بر هوش هیجانی مورد پژوهی محله سجاد شهر مشهد

شیما عابدی*^۱، تکتیم حنایی^۲

۱- دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲- دانشیار، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

هوش هیجانی از جمله عامل تأثیرگذار در حیطه روانشناسی است و با عواملی مانند خودآگاهی، خودمدیریت، آگاهی اجتماعی، مدیریت روابط با مسیریابی می تواند ارتباط داشته باشد. با توجه به اینکه در فرآیند ادراک تفکر امر اساسی است در ادامه یکی از مؤلفه های هوش هیجانی نیز تسهیل تفکر هست لذا هدف از ارائه این پژوهش خوانش جنسیتی توانایی ادراکی - شناختی مسیریابی با تأکید بر هوش هیجانی و بررسی رفتار مسیریابی زنان و مردان با تأکید بر هوش هیجانی در محله سجاد بود. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و در این راستا به منظور گردآوری داده ها از مشاهدات میدانی، پرسشنامه، بازدید سایت استفاده شده است. بر اساس حجم جامعه در محله سجاد با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۲۹۶ نفر محاسبه شده است و پرسشنامه به صورت نمونه گیری هدفمند در میان مردان و زنان تکمیل گردیده است. تحلیل داده ها برای تأثیر هوش هیجانی بر مسیریابی با آزمون های آمار استنباطی در نرم افزار SPSS صورت گرفته است و آزمون لون و آزمون واریانس یک طرفه Anova، آزمون t تحلیل گردیده است. نتایج حاکی از آن است که رفتار مسیریابی زنان و مردان متفاوت است و مابین هوش هیجانی و مسیریابی زنان و مردان ارتباط مستقیمی وجود دارد. زنان در امر مسیریابی خودآگاهی بالاتری نسبت به مردان دارند همچنین در حین انجام این رفتار در محیط توانایی عاطفی و حساسیت بین فردی بیشتری نسبت به مردان دارند. مردان در فرآیند مسیریابی و در حین تعیین مسیر مدیریت احساسات قوی تری نسبت به زنان در محیط شهری دارند و اعتماد به نفس بیشتری در حین انجام این فرآیند دارند.

واژگان کلیدی: ادراک، خودآگاهی، هوش هیجانی، راهیابی، محله سجاد.

دسترسی آزاد

مقاله علمی پژوهشی

نویسنده مسئول: شیما عابدی

Shimaabedi67@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱

تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۲

استناد: عابدی شیما. (۱۴۰۲). خوانش جنسیتی توانایی

ادراکی - شناختی مسیریابی با تاکید بر هوش هیجانی مورد پژوهی و

مطالعات علوم رفتاری، (۲): ۸۶-۶۸.

[doi. 10.30495/psych.2024.1996975.1037](https://doi.org/10.30495/psych.2024.1996975.1037)

مقدمه و بیان مسئله

در شهرها حرکت عابر پیاده امری بهداشتی است که باید بدون استرس و اضطراب باشد. بنابراین فاکتور نمایش راه برای محیط‌های شهری با برنامه‌ریزی مناسب ضروری است. مسیریابی به‌عنوان فرآیند یافتن مسیر فرد از مبدأ به مقصد تعریف می‌شود. این بخش مهمی از فعالیت‌های زندگی روزمره است که نه تنها به شناخت شخصی فرد بستگی دارد، بلکه به خوانایی محیط‌های ساخته‌شده یا خارج از منزل، علاوه بر در دسترس بودن وسایل کمکی برای حمایت از مسیریابی وی، نیز بستگی دارد. لینچ (۱۹۶۰) لینچ (۱۹۶۰) عمل مسیریابی را به‌عنوان فرآیندی تعریف کرد که در آن افراد از نشانه‌ها یا اطلاعات محیطی برای موقعیت‌یابی و یافتن راه خود از مکانی به مکان دیگر استفاده می‌کنند. در مسیریابی شهری، حامی استراتژیک تصویر محیطی است که بازنمایی ذهنی کلی از دنیای بیرونی طبیعی یا ساخته‌شده است که توسط ناظر شهری درک می‌شود. یادگیری یک محیط خاص برای یک ناظر شهر معمولاً به‌صورت حرکتی (که به مناظر شهری اشاره دارد) در تعدادی از سفرها همراه با تجربیات و مهارت‌هایی که به تدریج تعمیم و ذخیره می‌شوند اتفاق می‌افتد (Nagy) (نگی سرهان و همکاران، ۲۰۲۱) (Sarhan et al:2021) با توجه به اینکه از جمله نکات اصلی در رفتار مسیریابی ادراک محیط است و از جمله فرایندهای ادراک محیط می‌توان به الگوهای روان‌شناختی و ترجیحی افراد اشاره نمود لذا فرآیندهای ادراک و شناخت هم در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و هم در مرحله تفسیر آن‌ها، تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی مانند نیازها و انگیزه‌ها و عوامل متعددی قرار می‌گیرند که خود آن‌ها نیز از شرایط محیطی تأثیر می‌پذیرند (مرتضوی ۹۰، ۱۳۸۰). طی ده سال گذشته، پژوهشگرانی که در زمینه روان‌شناختی به پژوهش پرداخته‌اند، توجه زیادی به رابطه هوش هیجانی - اجتماعی و تیپ‌های روان‌شناختی نشان داده‌اند. الگو روان‌شناختی، ترجیح‌های روان‌شناختی افراد را در توجه، دریافت، پردازش و تصمیم‌گیری درباره انواع اطلاعات و همچنین مدل جامعی از پویایی‌های ذهنی فرد در سازگاری، مقابله و پیشرفت در زندگی را نشان می‌دهد (شکیبا و همکاران، ۱۳۸۷). بررسی تأثیر عواطف و احساسات بر رفتار، آخرین تلاش برای درک، فهم و علت پویایی شخصیت انسان است، بر این اساس هوش هیجانی به‌عنوان آگاهی از این موضوع است که چگونه حالات عاطفی بر افکار و رفتار ما تأثیر می‌گذارند (شورچی گلنگدیری و همکاران، ۱۳۹۲). متعلق به نوعی از توانایی‌های شناختی، هوش هیجانی توانایی افراد در پردازش دقیق و مؤثر اطلاعات احساسی است که مربوط به عملکردهای سازگاری اجتماعی است. ویژگی هوش هیجانی ترکیبی از خودآگاهی، مدیریت هیجانی، خود انگیزشی، همدلی و مهارت‌های بین فردی است. (Cai & Yang, 2021) (کای و یانگ، ۲۰۲۱) جنسیت عامل بسیار تأثیرگذار بر رفتار انسان در فضای شهری هست لذا با توجه به اینکه هوش هیجانی از جمله احساسات است که در رفتار انسان مؤثر است به بررسی تأثیرگذاری آن بر مسیریابی با تفکیک جنسیتی پرداخته‌شده است لذا با توجه به اینکه محله سجاد فضایی ۲۴ ساعته دارد و افراد مخاطب در ساعت‌های مختلف به آنجا مراجعه می‌کنند و در سطح محله سجاد حضور می‌یابند به بررسی رفتار مسیریابی مردان و زنان با تأکید بر هوش هیجانی پرداخته‌شده است شناسایی رفتار انسان بر اساس تفکیک جنسیتی طراحی فضاهای کارا منتهی می‌شود فضاهای مناسب حضور مردم در سطح شهر باید از سردرگمی انسان‌ها جلوگیری نماید. با توجه به اینکه مسیریابی فرآیندی است که در آن تفکر جزء اساسی این رفتار است لذا با توجه به بررسی‌های صورت گرفته هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر هوش هیجانی بر توانایی ادراکی-شناختی در فرآیند مسیریابی زنان و مردان در محیط شهری است. مسئله اصلی قابل توجه در این پژوهش می‌تواند به در نظر گرفتن تأثیر جنسیت بر مسیریابی زنان و مردان در فضایی شهری اشاره نمود. مسیریابی آسان برای شهروندان سبب حضور پذیری هر چه بیشتر شهروندان در محلات می‌شود که این امر سبب سرزندگی فضاهای شهری می‌گردد. جنسیت عامل تأثیرگذار بر رفتار در محیط‌های شهری هست لذا این پژوهش در مورد پاسخگویی به بررسی ارتباط هوش هیجانی و جنسیت در

¹. Lynch

². Nagy sarhan

³. Cai and Yang

فرآیند مسیریابی در محله سجاد به واسطه‌ی وجود تنوع گروه هدف در طول شبانه‌روز و پذیرای اقبال مختلف هست. سؤال اصلی پژوهش میزان تأثیرگذاری جنسیت بر توانایی ادراکی-شناختی مسیریابی با تأکید بر هوش هیجانی تا چه اندازه است؟ و سؤال فرعی آیا بین مسیریابی انسان‌ها و هوش هیجانی آنان ارتباط مستقیمی وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

در این بخش به بررسی پیشینه پژوهش پیرامون موضوع هوش هیجانی و مسیریابی پرداخته شده است. اولین دوره هوش هیجانی به وین پین (۱۹۸۵) نسبت داده می‌شود که اصطلاح هوش هیجانی را در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان "مطالعه احساسات: توسعه هوش هیجانی" معرفی کرد. هوش پایه عاطفی دارد و استفاده از احساسات ما به عنوان منبع انرژی برای دستیابی به هدف خود تعریف شده همان چیزی است که هوش هیجانی (EI) از آن تشکیل شده است (چادا، ۲۰۰۵).

احساسات بر روابط با افراد دیگر و همچنین هویت شخصی و توانایی فرد برای انجام یک کار تأثیر می‌گذارد. برای بیان این موضوع در زمینه مناسب، گلמן (۱۹۹۵) گلמן (۱۹۹۵) مفهوم هوش هیجانی را رواج داد

سالووی و مایر سالووی و مایر در سال ۱۹۹۰ اصطلاح "هوش هیجانی" را ابداع کردند و آن را "نوعی از هوش اجتماعی توصیف کرد که شامل توانایی نظارت بر احساسات و عواطف خود و دیگران، ایجاد تبعیض در بین آن‌ها و استفاده از این اطلاعات برای هدایت تفکر است. در دهه ۱۹۹۰، دانیل گلמן از کارهای سالووی و مایر مطلع شد و این در نهایت منجر به انتشار کتاب "هوش هیجانی - چرا می‌تواند بیشتر از IQ اهمیت داشته باشد" شد (Baba et al:2021) بابا و همکاران، ۲۰۲۱ چهار جزء مورد توجه مایر و سالووی (۱۹۹۷) مایر و سالووی (۱۹۹۷) ساختار هوش هیجانی شامل توانایی‌های زیر است: "الف) درک دقیق احساسات در خود و دیگران، (ب) استفاده از احساسات برای تسهیل تفکر، (ج) درک احساسات، زبان عاطفی و سیگنال‌های منتقل شده توسط احساسات، و (د) احساسات را طوری مدیریت کنید که به اهداف خاصی برسید. (E. A. Mueller et al:2020). (ای ای مولر و همکاران؛ ۲۰۲۰) بویاتزیس و همکاران (۲۰۰۰) اشاره کرد که هوش هیجانی از عناصری تشکیل شده است که در چهار گروه طبقه‌بندی شده‌اند: (i) مهارت در تشخیص و نظارت بر احساسات، (ii) مهارت‌هایی مانند کنترل احساسات، (iii) مهارت‌های مربوط به مقاومت در برابر تکان‌ها، و (iv) مهارت‌های اطراف تعامل با دیگران. (Anastasiou, S 2020) (آناستاسیو اس؛ ۲۰۲۰) مسیریابی هدفمند بین مکان‌ها شاید برجسته‌ترین کاربرد جهان فضایی در شناخت فضایی باشد. یافتن راه یکی از نیازهای همه‌جا زندگی روزمره است و در ادبیات تحقیقاتی طی ۵۰ سال گذشته توجه زیادی را به خود جلب کرده است. اصطلاح "مسیریابی" در ابتدا توسط کوین لینچ کوین لینچ در سال ۱۹۶۰ و Golledge, 1999 گولج، ۱۹۹۹، مسیریابی را به عنوان "فرایند تعیین و دنبال کردن مسیر یا مسیری بین مبدأ و مقصد" تعریف می‌کند. دوره بعدی مسیریابی در دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ بود که نظریه مسیریابی به عنوان یک فرایند حل مشکل بیان شد وایزمن، ۱۹۸۱؛ کاپلان و کاپلان؛ ۱۹۸۹؛ پاسینی؛ ۱۹۸۴). مطالعه وایزمن (۱۹۸۱) (داونز و استیا، ۱۹۷۳؛ وایزمن، ۱۹۸۱؛ کاپلان و کاپلان، ۱۹۸۲؛ کارپمن و همکاران، ۱۹۸۴؛ پاسینی، ۱۹۸۴). مطالعه وایزمن (۱۹۸۱) چهار متغیر فضایی

1Goleman

2Salovey and Mayer

3Baba

4E,A,Muller

5Anastasiou,S

6. Kevin Lynch

7. Golledge

8. Weisman

9. Kaplan and kaplan

1. Passini

دسترسی بصری، میزان تمایز معماری، تابلوهای مورد استفاده برای تشخیص و یا اطلاعات جهت و پیکربندی طرح) را که بر عملکرد مسیریابی در محیط ساخته شده تأثیر می‌گذارد، مستند کرد. علاوه بر این، تحقیقات سیگل (۱۹۸۱) سیگل (۱۹۸۱) باعث آشنایی بیشتر مردم با تنظیماتی از قبیل میزان تکرار استفاده‌های قبلی شد، تأثیری بر ضرورت و نتیجه آن در مسیریابی به منظور یافتن راه موثر در یک محیط جدید داشته باشد.

هوش هیجانی یک شناسه اصلی مربوط به نحوه درک، درک، تنظیم، استفاده، بیان احساسات خود و دیگران است. دو تعریف متضاد از هوش هیجانی وجود دارد: (۱) هوش هیجانی ویژگی، یک ویژگی شخصیتی متمایل به گرایش‌ها و احساسات مربوط به احساسات، که معمولاً از طریق مقیاس‌های خود گزارش شده ارزیابی می‌شود. (۲) هوش هیجانی توانایی، اشاره به مهارت‌ها و شایستگی‌های واقعی مربوط به هیجان، که معمولاً از طریق وظایف عملکردی اندازه‌گیری می‌شود، شبیه به آنهایی که در آزمون‌های توانایی شناختی قرار دارند (هوانگ و لی، ۲۰۲۰) (Huang and. Li, 2020) هوش هیجانی شامل شایستگی‌های شناختی فردی برای بیان دقیق، ارزیابی و تنظیم احساسات منفی و مثبت متنوع است و از احساسات برای افزایش عملکرد شناختی و حل مسئله استفاده می‌کند. هوش هیجانی ویژگی‌های روانی فردی است و این شانس را ایجاد می‌کند که فرد تمایلات احساسی و رفتاری پاسخگو مناسب را در محیط اعمال کند. (Okwuduba et al., 2021) اوکودوبا و همکاران، (۲۰۲۱) چهار جزء مورد توجه مایر و سالووی (۱۹۹۷) مایر و سالووی (۱۹۹۷) ساختار هوش هیجانی شامل توانایی‌های زیر است: "الف) درک دقیق احساسات در خود و دیگران، (ب) استفاده از احساسات برای تسهیل تفکر، (ج) درک احساسات، زبان عاطفی و سیگنال‌های منتقل شده توسط احساسات، و (د) احساسات را طوری مدیریت کنید که به اهداف خاصی برسید. (Mueller et al., 2020) مولر و همکاران، ۲۰۲۰ هوش هیجانی ویژگی به عنوان مجموعه‌ای از ادراکات احساسی تعریف می‌شود و می‌تواند از طریق پرسشنامه‌های خود گزارش و مقیاس‌های رتبه‌بندی ارزیابی شود این ساختار شامل چهار مولفه‌ها شامل احساسات (به عنوان مثال، درک احساسات)، اجتماعی بودن (به عنوان مثال، مدیریت هیجان)، کنترل خود (به عنوان مثال، کنترل ضربه) و بهزیستی (به عنوان مثال، خوش بینی) است. ویژگی یک ویژگی روانشناختی مهم است که به عنوان یک عامل محافظ در برابر مشکلات مختلف سلامتی و رفتاری برای نوجوانان ایجاد می‌شود زیرا جنبه‌ها و توانایی‌های شخصیتی مرتبط با هیجان با افزایش سن و تجربه ایجاد می‌شود. (Kircaburun et al., 2018)

کیرکامبورون^۵ و همکاران، ۲۰۱۸ زنان دارای مهارت‌های بین فردی، همدلی و خودآگاهی عاطفی نسبتاً قوی هستند. در حالی که مردان در مدیریت احساسات، سازگاری با موقعیت‌های بهبود یافته مهارت بیشتری دارند و مفاهیم خودشناسی، اعتماد به نفس، کنترل تعارض، مهارت‌های مقابله‌ای و خوش بینی را تقویت کرده اند (Ain et al., 2021) (عین^۶ و همکاران، ۲۰۲۱) اطلاعات کمی در مورد سوابق هوش هیجانی وجود دارد. مطالعات مختلف پیوندی بین جنسیت و هوش هیجانی عمدتاً از منظر تفاوت‌های جنسیتی پیدا کردند. زنان عموماً از نظر حساسیت بین فردی بهتر از مردان بودند، و همچنین در همه ابعاد مسیریابی نمرات بالاتری کسب کردند (جوزف و نیومن ۲۰۱۰). زنان بیشتر از مردان در هوش هیجانی به ویژه در استفاده، درک و مدیریت احساسات نمره کسب کردند این امر به عنوان تأیید این است که زنان دارای توانایی‌های احساسی بیشتر و بهتری نسبت به مردان هستند (گروال و سالووی ۲۰۰۵؛ جوزف و نیومن ۲۰۱۰). با این حال، در تحقیقات دیگر، به نظر می‌رسد که مردان احساسات منفی را بهتر از زنان مدیریت

1 Sigel

2 Huang and. Li

3 Okwuduba

4 Muller

5 Kircaburun

6 Ain

می کنند (Martínez-Marín et al, 2020) (مارتینز-مارین و همکاران، ۲۰۲۰) زنان هوش هیجانی بیشتری نسبت به مردان دارند، گزارش کردند. (بانو کاظمی و همکاران، ۲۰۲۱ Bano Kazmi et al, 2021) تفاوت های جنسیتی می تواند ناشی از اعتماد به نفس پایین زنان در تخمین توانایی های عاطفی آنها در اقدامات گزارش خود باشد. (Yudes et al, 2021). (یودس و همکاران، ۲۰۲۱) مسیریابی هدفمند بین مکانها شاید برجسته ترین کاربرد جهان فضایی در شناخت فضایی باشد. یافتن راه یکی از نیازهای همه جا زندگی روزمره است و در ادبیات تحقیقاتی طی ۵۰ سال گذشته توجه زیادی را به خود جلب کرده است. اصطلاح "مسیریابی" در ابتدا توسط کوین لینچ در سال ۱۹۶۰ اشاره شده است. مسیریابی را به عنوان "فرایند تعیین و دنبال کردن مسیر یا مسیری بین مبدا و مقصد" تعریف می کند. (وینر و همکاران، ۲۰۰۹) (Wiener et al, 2009) درک روند مسیریابی تمایل دارد از دریچه روانشناسی دیده شود. (اوارت و جانسون، ۲۰۲۱ Ewart & Johnson, 2021) معمولاً در محیط های شهری ناآشنا، فرآیند مسیریابی انسان را ملزم می کند تا شبکه خیابان های شهری را بشناسد تا بتواند حس جهت گیری خوبی داشته باشد. مسیریابی توانایی رسیدن به مقصد از مبدا است که نیاز به آگاهی بالایی از فضای پیمایش شده دارد. در این رابطه، نظریه خوانایی لینچ در زمینه های طراحی و برنامه ریزی شهری ضروری بوده است که مفهوم تصویرپذیری شهری را نشان می دهد که وابسته به پنج عنصر است که شامل مسیرها، لبه ها، گره ها، نشانه ها و مناطق است. (Nagy Sarhan et al, 2021) (نگی سرهان و همکاران، ۲۰۲۱) فعالیتی است که در محیط های آشنا یا ناآشنا انجام می شود و به نحوه سازماندهی و ارتباط افراد فعالیت های خود (اعم از ایستا و پویا) با محیط واقعی اشاره دارد. مسیریابی به عنوان توانایی شناختی برای کشف پیکربندی فضا تعریف می شود. (Safizadeh et al, 2021) رفتار مسیریابی شهری با راهبردهایی تعریف می شود که مردم برای تصمیم گیری در مورد چگونگی حرکت از یک مکان به مکان دیگر در یک شهر استفاده می کنند (مونتلو ۱۹۹۵) (مونتلو ۱۹۹۱). این به ترجیحات، انتخاب و کاربرد استراتژی های مسیریابی، نگرش نسبت به سفر و توانایی رسیدن به مقصد مورد نظر مربوط می شود. هنگام سفر در محیط شهری، دانش فضایی مورد استفاده، کسب و به خاطر سپردن خواهد بود. بر اساس محیط های کوچک مقیاس سه نوع سیستم مسیریاب شناسایی شده است: جهت گیری و مسیریابی خودمرکز، و نقشه. (Zomer, 2021) (زومر، ۲۰۲۱) تحقیقات بر روی نوروفیزیولوژی انسان تأیید کرد که عوامل زیر بر عملکرد راه یابی تأثیر می گذارد. این عوامل شامل سن، جنسیت، سطح تحصیلات، زبان، آشنایی با محیط، شرایط فیزیکی و ظرفیت شناختی است. این عوامل برای تأثیرگذاری بر نحوه کشف افراد در محیط و عوامل مورد استفاده افراد دیگر در افراد مختلف متفاوت است. وقتی افراد وارد یک محیط پیچیده می شوند، سعی می کنند اطلاعات موجود در آن و نحوه سازماندهی آنها را با انتخاب نشانه های مهم محیطی که می توانند تشخیص دهند و به خاطر داشته باشند راه خود را در محیط پیدا کنند، درک کنند (Symond, 2017) مسیریابی شامل ادراک حسی و شناخت فضایی است، مانند جهت گیری در یک فضا، برنامه ریزی مسیر، انتخاب مسیر بین نقطه شروع و پایان، نظارت بر پیشرفت در حین حرکت به سمت مقصد، و شناخت مقصد پس از رسیدن به آن است. در حالی که مسیر یاب ها به طور هدفمند در فضا حرکت می کنند، اطلاعات را درک و پردازش می کنند (برای به دست آوردن یک بازنمایی ذهنی، یا "نقشه شناختی" از محیط و نحوه قرارگیری آنها در آن محیط) و از این اطلاعات برای انتخاب مسیر در نقاط تصمیم گیری استفاده می کنند، جایی که بیش از یک گزینه مسیر وجود دارد (Kuliga et al, 2021) (کولیگا و همکاران، ۲۰۲۱) در عصب روانشناسی،

1 Martínez-Marín

2 Bano Kazmi

3 Yudes

4. Wiener

5. Ewart & Johnson

6. Montelo

7. Zomer

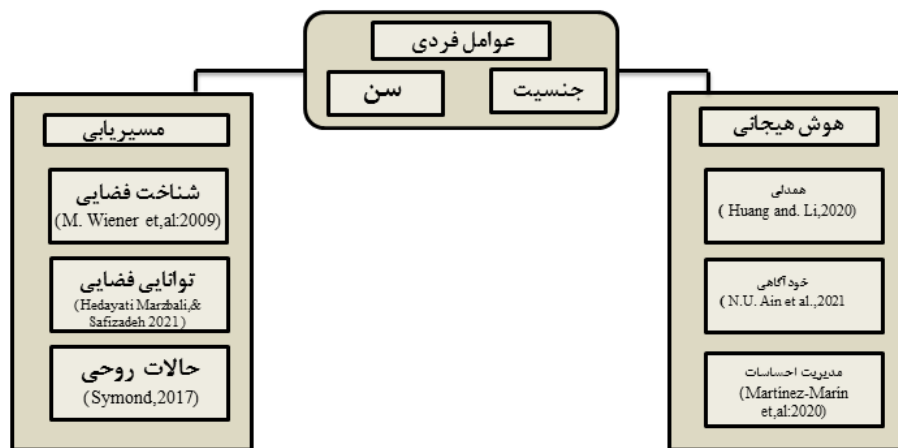
8. Kuliga

فرآیند شناخت بصری انسان را می توان به طور کلی به دو مرحله تقسیم کرد. اطلاعات مقیاس درشت تر در مرحله اولیه درک می شود و اطلاعات مقیاس ریزتر در مرحله بعد تایید می شود. (Fan et,al:2019) شناخت فضایی مردم از شبکه خیابانی از تلفیق قطعات حافظه شناختی و تفسیر بین آنها در طی کاوش فضایی ساخته شده است. این یک روش پردازش اطلاعات از اندازه، شکل، جهت گیری و فاصله اشیاء سه بعدی در فضای فیزیکی است. این امر مربوط به کسب، سازماندهی، استفاده و تجدید نظر دانش در مورد محیط های فضایی است. این توانایی ها انسان را قادر می سازد وظایف اساسی و شناختی سطح بالا را در زندگی روزمره مدیریت کند. فرآیند شناخت فضایی دارای سه مرحله اصلی است: (۱) به دست آوردن اطلاعات مربوط به محیط اطراف؛ (۲) گرفتن خصوصیات مورفولوژیکی فضا از طریق اندامهای مختلف حسی. (۳) ذخیره کردن اطلاعات به دست آمده در مغز، ایجاد درک محیط و ایجاد نقشه شناختی. (Yuan,et al2014) شناخت فضایی را به عنوان شناخت نمایندگی شناختی از ساختار، موجودات و روابط. فضا، یعنی بازتاب درونی و بازسازی فضا در اندیشه تعریف می کنند. به همین ترتیب، خاطر نشان کردند که روند نقشه برداری شناختی وسیله ای برای ساختن، تفسیر و مقابله با مجموعه های پیچیده ای از اطلاعات است که در محیط های مختلف وجود دارد. (Cristina Dias Lay,et ,al:2005) مسیریابی با توجه به اینکه موضوع ادراکی به توانایی های فضایی و شناخت محیط ربط دارد. این مقوله با احساس، حالات روحی و روانی فرد در ارتباط با توانایی های فضایی هر فرد تفاوت دارد. همچنین هوش هیجانی بر اساس دیدگاه نظریه پردازان به متغیرهای همدلی، خودآگاهی و مدیریت احساسات ارتباط دارد. ویژگی های فردی، عوامل محیطی و شرایط ذهنی هر فرد به تفکیک تفاوت های جنسیتی در محیط شهری تفاوت دارد. مردان و زنان با توجه به شناخت فضایی، توانایی های فضایی و حالت های روحی دارای درجاتی متفاوتی از هوش هیجانی می باشند. نقشه برداری شناختی جزء اصلی دانش فضایی است که شامل فرایندهایی است که فرد باید آگاهانه یا ناخودآگاه در طول مسیر یابی انجام دهد. در این مرحله، اطلاعات استخراج شده از فضا و معماری نه تنها برای تصمیم گیری، اجرای تصمیم، و نه برای استفاده از معماری استفاده می شود بلکه برای تفسیر شرایط محیطی استفاده می شود. نقشه برداری شناختی ظرفیت پردازش اطلاعات اضافی را که به آن اختصاص دارد، وارد می کند نمایندگی فضایی مکان هایی که در یک زمان درک نمی شوند. (Demirbas,2001) دمیربس، ۲۰۰۱ نقشه های ذهنی روشی کاربردی برای بیان نحوه درک افراد از محیط اطراف خود است. همچنین الگویی ذهنی شامل فرآیندهای ادراک ذهنی است که به افراد امکان می دهد، اطلاعات مربوط به محیط های کالبدی را به دست آورند و از آنها استفاده کنند. اگرچه بسیاری از فرآیندهای ادراکی و شناختی که می توانند باعث مسیریابی موفق شوند، هنوز شناخته شده نیستند، اما مشخص شده است که تشکیل هیپوکامپ (بخشی از سیستم لیمبیک مغز انسان) به طور عمده وظیفه ذخیره و بازیابی خاطرات مکانی را دارد که برای حل مسائل مربوط به مسیریابی موفق ضروری است. بسیاری از مطالعات بر ماهیت نقشه های شناختی، چگونگی تهیه و چگونگی بازیابی اطلاعات از آنها متمرکز شده است. نقشه های شناختی، به عنوان نمایش فضایی ذهنی، به عنوان یکی از ابزارهای مورد استفاده در فرآیند مسیریابی در نظر گرفته می شوند (Aram et al 2019 & M. Montazerolhodjah et al 2017 & J. & Xia et al.2008 & Taylor et al:2008) آرام و همکاران، ۲۰۱۹ م. منتظرالحجه و همکاران، ۲۰۱۷ و زیا و همکاران، ۲۰۰۸ و تیلور و همکاران، ۲۰۰۸).

در این مطالعه به بررسی تفاوت و شباهت های جنسیتی در ادراک مسیریابی بر اساس شرایط هوش هیجانی پرداخته خواهد شد.

¹ . Demirbas

² . Aram and M.Montazerolhodjah, and Xia and Taylor

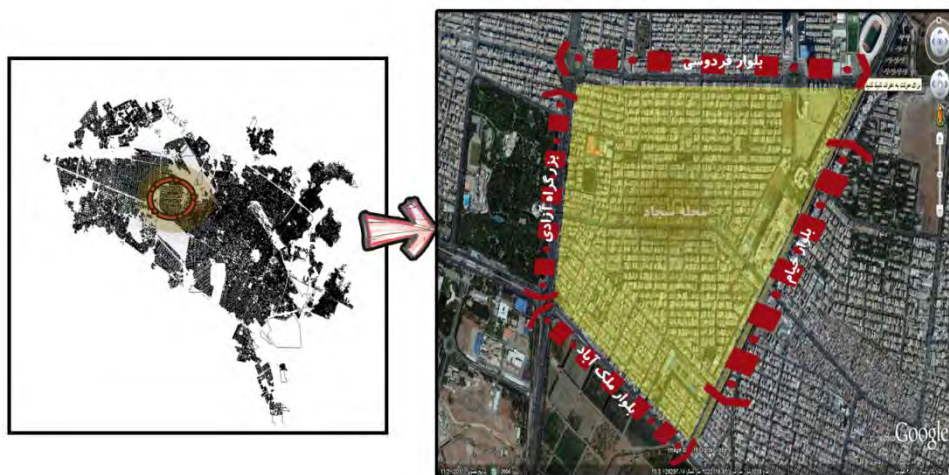


تصویر ۱- مدل مفهومی تحقیق

روش اجرای پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه از حیث هدف کاربردی است از نظر ماهیت پژوهش از نوع پیمایشی است به منظور گردآوری اطلاعات از روش‌های اسنادی، کتابخانه‌ای میدانی، مشاهده و پر کردن پرسشنامه بر اساس شاخص‌های چارچوب نظری پژوهش استفاده شده است. به منظور بررسی پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب آن با عدد ۰,۹۱۳ نشان‌دهنده پایایی است. سؤالات پرسشنامه با توجه به هر گویه بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از خیلی زیاد تا خیلی کم تنظیم شده است. سؤالات پرسش‌نامه در دو بخش که بخش اول شامل سؤالات فردی و عمومی پاسخ‌گویان و در بخش دوم شامل سؤالات در مورد رفتار مسیریابی زنان و مردان تدوین گردیده است. برای سنجش هوش هیجانی از پرسشنامه استاندارد بریو گریوز استفاده شده است. اندازه نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۹۶ نفر با خطای نمونه‌گیری ۰,۰۵ محاسبه شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری تحلیل واریانس یک‌سویه (آنوا)، آزمون تی وابسته، آزمون فرضیات لون استفاده شده است. در این پژوهش از آنالیز واریانس یک طرفه برای مقایسه میانگین پاسخ‌های دو گروه استفاده شده است. از آزمون تی وابسته برای تعیین اینکه آیا اختلاف آمار معناداری بین معیارها وجود داشته است؟. از آزمون لون برای سنجش برابری واریانس در چند جامعه مستقل استفاده شده است. در بخش دوم به تحلیل کیفی پژوهش پرداخته شده است با استفاده از نقشه‌های رفتاری متناسب با جنسیت زن و مرد و تحلیل نقشه‌های ادراکی و قلمرو پایایی برای زنان و مردان متناسب با اینکه چگونه رفتار کرده‌اند پرداخته شده است.

محله سجاد در حوزه میانی غربی شهر مشهد گرفته است. محله سجاد حدفاصل خیابان‌های آزادی، ملک‌آباد، خیام و فردوسی شهر مشهد قرار گرفته است. در سال ۱۳۹۵، ۲۶۳۶۵ نفر جمعیت دارد. مهم‌ترین محور فعالیت در این محدوده خیابان سجاد است. کاربری‌ها در جداره این خیابان به صورت تجاری‌های در سطح شهر فعالیت می‌کنند. به عنوان شریان اصلی شهر علاوه بر نقش عبوری، به واسطه کارکرد تفریحی فراغتی و مراکز خرید متنوع مستقر در حاشیه این محور، دارای نقش اجتماعی و کارکردی نیز می‌باشد. در خصوص ضرورت انتخاب محله سجاد می‌توان گفت، محله سجاد ضمن دارا بودن جمعیت قابل توجه و نیز تنوع عملکردی و وجود کاربری‌های جذاب جمعیت می‌تواند عرصه‌ای مطلوب برای شهروندان و تشویق به حضور فعال و تعاملات اجتماعی را فراهم آورد.



تصویر ۲- معرفی محدوده

پایایی یا قابلیت اعتماد، یکی از ویژگی های فنی ابزار اندازه گیری است. مفهوم یاد شده با این امر سر و کار دارد که ابزار اندازه گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می دهد. دامنه ضریب قابلیت اعتماد از صفر تا یک می باشد. هر چه این ضریب به سمت یک میل کند پایایی کار بیشتر است. بررسی پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ صورت می گیرد. در این قسمت مقدار ضریب به دست آمده برای متغیرهای تحقیق بعد از انجام روایی به شرح جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱- ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق

نام متغیر	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ متغیرها
الگوی رفتاری مسیریابی	۱-۱۹	۰,۸۶۰
هوش هیجانی	۱-۲۸	۰,۷۹۱
کل پرسشنامه	۴۷	۰,۹۱۳

متغیر اصلی پژوهش مولفه مسیریابی می باشد که مقدار آلفای کرونباخ آن ۰,۸۶۰ می باشد در ادامه متغیر فرعی پژوهش هوش هیجانی است که ۰,۷۹۱ میزان آلفای کرونباخ آن است. از جمله عناصر شاخص در محله سجاد می توان به بوستان مینا، خیابان لاله، آب انار مجلس و بانک ملی اشاره نمود. از جمله نشانه های شاخص بانک آینده و بستنی عسل و هتل هما نیز می توان اشاره کرد.



تصویر ۳- نقاط شاخص محدوده

یافته ها

تجزیه و تحلیل داده ها

در این بخش به تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS پرداخته شده است. با استفاده از روش های کمی و کیفی به صورت همزمان به تحلیل شباهتها و تفاوت های مردان و زنان در رفتار مسیریابی بر اساس متغیرهای هوش هیجانی پرداخته شده است.

تحلیل توصیفی متغیرهای هوش هیجانی و مسیریابی

با بررسی های صورت گرفته در جدول شماره ۳ تعداد سؤالات هوش هیجانی ۲۸ سؤال و میانگین ۳,۵۱۲ و دارای انحراف معیار ۰,۵۷۹ است. تعداد سؤالات مربوط به مؤلفه الگو رفتاری مسیریابی ۱۹ سؤال و میانگین ۳,۸۴۸ و دارای انحراف معیار ۰,۶۵۴ می باشد.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	سؤالات	میانگین	انحراف معیار
هوش هیجانی	۲۸	۳,۵۱۲	۰,۵۷۹
الگو رفتاری مسیریابی	۱۹	۳,۸۴۸	۰,۶۵۴

تحلیل خوانش جنسیتی بر اساس هوش هیجانی در محیط

این بخش از مطالعات به تحلیل روابط بین هوش هیجانی زنان و مردان پرداخته است. آزمون واریانس یک طرفه به دنبال این است که میانگین های دو یا تعدادی بیشتر از گروه های مستقل در جامعه را مقایسه کند که آیا میانگین گروه ها به طور معنی دار متفاوت هستند

جدول شماره ۳- آزمون F تحلیل واریانس یک طرفه یا ANOVA

متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
هوش هیجانی	۱,۷۰۶	۱,۰۰۰	۱,۷۰۶	۵,۶۳۰	۰,۰۱۸
	۸۹,۰۹۴	۲۹۴,۰۰۰	۰,۳۰۳		
	۹۰,۸۰۰	۲۹۵,۰۰۰			

سطح معنی داری به دست آمده نشان می دهد میان هوش هیجانی زنان و مردان رابطه معنی داری وجود دارد. ($P < ۰,۰۵$). تفاوت هوش هیجانی بین زنان و مردان وجود دارد و زمانی که در فضای شهری قرار می گیرند در رفتار آن ها تفاوت وجود دارد. یعنی بین هوش هیجانی زنان و مردان اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول بالا وجود اختلاف در هوش هیجانی زنان و مردان را نشان می دهد. هوش هیجانی زنان و مهارت های بین فردی آنان بالاتر است. زنان در هنگام مسیریابی در فضای شهری از ابزارهای کلامی، سؤال پرسیدن در رابطه با مکان هایی که ابهام دارند از طریق تعامل برقرار کردن، احساس تلاش و پیدا کردن مسیر درست در فضای شهری مسیریابی می کنند. در ادامه مردان در هنگام مسیریابی استرس کمتری دارند و در مهارت برقراری ارتباط بین فردی توانایی کمتری دارند و بیشتر به صورت خودآگاه و با استفاده از انتخاب جهات اصلی و مختصات و استفاده از دانش پیمایشی سعی در پیدا کردن محیط خود دارند و به جای ابزارهای کلامی از ادراک محیط و جهات اصلی تصمیم گیری می کنند. در ادامه با استفاده از آزمون تی میزان هوش هیجانی زنان و مردان نیز آورده شده است. مردان در حوزه ی درون فردی، انعطاف پذیری و مدیریت استرس نمره بالاتری نسبت به زنان دارند. زنان در حوزه ی بین فردی نمره بالاتری دارند. بدین صورت اختلاف معناداری مابین هوش هیجانی زنان و مردان وجود دارد.

جدول ۴-: نتایج آزمون t تک نمونه ای برای تعیین وضعیت موجود مولفه

گروه	نام متغیر	اختلاف میانگین	آماره t آزمون	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵٪
					کران بالا / کران پایین
زن	هوش هیجانی	۱۲,۴۶۹	۱۴۷,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۵۶۳ / ۰,۴۷۳
مرد	هوش هیجانی	۹,۰۵۲	۱۴۷,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۴۱۱ / ۰,۳۲۱

میانگین شاخص هوش هیجانی با میانگین جامعه که برابر با ۳ است، مورد مقایسه قرار گرفتند که نتایج به دست آمده از جدول بالا نشان می دهد که: آماره t محاسبه شده $t = ۱۴۷$ در سطح $۰/۰۰۱$ معنادار است. اختلاف میانگین هوش هیجانی در دو گروه زنان و مردان نشان می دهد که هوش هیجانی زنان با اختلاف میانگین ۱۲,۴۶۹ بیشتر از مردان است. با توجه به اینکه هوش هیجانی شکلی از هوش اجتماعی است و معرف توانایی شخص در مواجهه و انطباق با فشارهای روانی است تاثیر بسیاری در موفقیت فرد دارد لذا زنان که هوش هیجانی بالاتری دارند عزت نفس بیشتری دارند و اضطراب کمتری را در محیط تجربه می کنند این افراد خوش بین هستند و مسیریابی موفقتری دارند در شرایط سردرگمی تکانه های خود را کنترل می کنند و خونسردی خود را حفظ می نمایند. زنان

مهارت های بین فردی توانایی معنی داری نسبت به مردان دارند . مردان نیز به نظر می رسد احساس قوی تر از خود دارند و در مقابل استرس موفق ترند.

تحلیل خوانش جنسیتی رفتار مسیریابی

این بخش از مطالعه به تحلیل ارتباط میان مسیریابی زنان و مردان بر اساس متغیرهای شناخت فضایی پرداخته است. از جمله متغیرهای رفتار مسیریابی می توان به شناخت فضایی، توانایی فضایی در محیط و حالات روحی افراد در هنگام مسیریابی اشاره نمود. بنابراین واریانس گروه های مستقل زنان و مردان در ابعاد متغیر مسیریابی (الگوی رفتاری مسیریابی، شناخت فضایی، توانایی فضایی و حالات روحی) با هم برابر هستند. زنان به احساسات خود آگاهتر هستند، ارتباطات بین فردی را بهتر برقرار می کنند و به طور معنی دار مسئولیت پذیری اجتماعیشان بیشتر از مردان است. از طرف دیگر مردان به نظر می رسد که احترام خود قوی تری دارند و بهتر می توانند در مقابل با مسائل و مشکلات استرس زا در مقایسه با زنان فایق آیند.

جدول شماره ۵- آزمون F تحلیل واریانس یک طرفه یا ANOVA

متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
الگو رفتاری مسیریابی	میان گروه ها	۱	۱,۴۷۱	۴,۸۸	۰,۰۲۸
	درون گروه ها	۲۹۴	۰,۳۰۱		
	کل	۲۹۵			
شناخت فضایی	میان گروه ها	۱	۲,۴۰۷	۵,۲۴	۰,۰۲۳
	درون گروه ها	۲۹۴	۰,۴۵۹		
	کل	۲۹۵			
توانایی فضایی	میان گروه ها	۱	۱,۸۷۷	۵,۸۳۱	۰,۰۱۶
	درون گروه ها	۲۹۴	۰,۳۲۲		
	کل	۲۹۵			
حالات روحی	میان گروه ها	۱	۲,۰۱	۶,۰۲۷	۰,۰۱۵
	درون گروه ها	۲۹۴	۰,۳۳۳		
	کل	۲۹۵			

سطح معنی داری بدست آمده نشان می دهد میان ابعاد متغیر مسیریابی (مسیریابی، شناخت فضایی، توانایی فضایی و حالات روحی) زنان و مردان رابطه معنی داری وجود دارد. ($P < ۰,۰۵$). یعنی بین ابعاد متغیر مسیریابی (الگوی رفتاری مسیریابی، شناخت فضایی، توانایی فضایی و حالات روحی) زنان و مردان اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول بالا وجود اختلاف در ابعاد متغیر مسیریابی (الگوی رفتاری مسیریابی، شناخت فضایی، توانایی فضایی و حالات روحی) زنان و مردان را نشان می‌دهد. در ادامه با استفاده از آزمون تی میزان ابعاد متغیر مسیریابی (مسیریابی، شناخت فضایی، توانایی فضایی حالات روحی) زنان و مردان نیز آورده شده است. با توجه به اینکه هرچه هوش هیجانی افزایش یابد سطح خودآگاهی فرد نیز افزایش می‌یابد و افراد اعتماد به نفس بیشتری را کسب می‌کنند در این باره زنان که توانایی و هوش هیجانی بالایی دارند توانایی حل مسئله آنان نیز در همین راستا افزایش می‌یابد و مسیریابی راحتتری را در فضای شهری تجربه می‌کنند. زنان به احتمال زیاد نسبت به احساسات خود بیشتر آگاهند، همدلی بیشتری دارند و مسئولیت پذیری بیشتری نسبت به مردان دارند در حالیکه مردان بهتر می‌توانند با استرس‌ها مقابله کنند.

با توجه به اینکه شناخت فضایی از محیط شامل ویژگی‌های محیط و ویژگی‌های کاربران می‌باشد لذا حالات روحی کاربران تاثیر به سزایی در رفتار مسیریابی در فضای شهری دارد. با توجه به اینکه هوش هیجانی با ظرفیت تعقل فرد درباره‌ی هیجانها و پردازش اطلاعات هیجانی به منظور بهبود فرآیندهای شناختی و تنظیم رفتار ارتباط دارد لذا توانایی مدیریت هیجان‌های شخصی فرد به طور موقت از یک موقعیت دشوار را به عنوان عنصری از هوش هیجانی مورد بحث قرار می‌دهد از جمله عوامل تاثیر گذار بر فرآیند مسیریابی هیجان‌ات متحمل شده توسط انسان است که بر حالات روحی فرد تاثیر مستقیم دارد.

جدول ۶- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای تعیین وضعیت موجود مولفه

گروه	نام متغیر	اختلاف میانگین	آماره آزمون t	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
						کران پایین	کران پایین
زنان	الگوی رفتاری مسیریابی	۱۲,۴۶۹	۱۴۷,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۵۶۳	۰,۴۷۳	۰,۶۵۲
	شناخت فضایی	۱۱,۵۰۵	۱۴۷,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۶۳۳	۰,۵۲۴	۰,۷۴۱
	توانایی فضایی	۱۲,۷۶۸	۱۴۷,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۵۹۵	۰,۵۰۳	۰,۶۸۷
	حالات روحی	۱۳,۰۲۵	۱۴۷,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۶۲۰	۰,۵۲۶	۰,۷۱۴

مردان	الگوی رفتاری مسیریابی	۹,۳۴۰	۱۴۷,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۴۲۲	۰,۳۳۲	۰,۵۱۱
	شناخت فضایی	۸,۰۱۲	۱۴۷,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۴۵۲	۰,۳۴۱	۰,۵۶۴
	توانایی فضایی	۹,۳۳۹	۱۴۷,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۴۳۶	۰,۳۴۴	۰,۵۲۸
	حالات روحی	۹,۶۲۲	۱۴۷,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۴۵۵	۰,۳۶۲	۰,۵۴۹

میانگین ابعاد متغیر مسیریابی (مسیریابی، شناخت فضایی، توانایی فضایی و حالات روحی) با میانگین جامعه که برابر با ۳ است، مورد مقایسه قرار گرفتند که نتایج به دست آمده از جدول بالا نشان می‌دهد که: آماره t محاسبه شده $t = 147$ در سطح $0/001$ معنادار است. اختلاف میانگین ابعاد متغیر مسیریابی (الگوی رفتاری مسیریابی، شناخت فضایی، توانایی فضایی و حالات روحی) در دو گروه زنان و مردان بیان گر آن است، گروهی که دارای اختلاف میانگین بیشتری می‌باشد دارای وضعیت بهتری می‌باشند.

با توجه نظریه پردازش ذهن را مانند کامپیوتری فرض می‌کند که مجموعه ای از دستورالعمل‌ها را در اختیار دارد و با ذخیره کردن آن‌ها در حافظه آنها را پردازش، دستکاری و بازنمایی می‌کند و عملیاتی را روی آنها انجام می‌دهد. لذا زنان با هوش بالا توانایی یادگیری بهتری دارند و می‌توانند موقعیتهای جدید را درک کنند و برخورد صحیح با آن داشته باشند.

با توجه به اینکه شناخت فضایی مردم از طریق شبکه معابر از ترکیب حافظه شناختی و تفسیر آنها در هنگام پیمایش شکل می‌گیرد لذا فرآیند شناخت فضایی شامل سه مرحله ۱- به دست آوردن اطلاعات از محیط ۲- دریافت از خصوصیات محیط ۳- ذخیره کردن اطلاعات در ذهن و ادراک محیط می‌باشد. بررسی نحوه ادراک و روابط فضایی میان عناصر محیطی از طریق نقشه‌ها، تصاویر می‌باشد. لذا با توجه به بررسی نقشه ذهنی زنان و مردان از جمله موارد قابل توجه و تاثیر گذار بر شناخت فضایی آنان عناصر شاخص، الگوی شبکه معابر و نقاط تصمیم‌گیری می‌باشد.

با توجه به نقشه گرافیکی شماره ۲- مردان در تشخیص جهات و توانایی فضایی مهارت بیشتری دارند آنان به ورودی محله و همچنین فضاهای سبز و عناصر شاخص در سطح محله اشاره نموده اند از جمله عناصری که مردان در نقشه‌های گرافیکی خود به آن اشاره نموده اند راه‌های اصلی و فرعی می‌باشد. در ادامه زنان در سطح محله به عناصر شاخص و فضای سبز موجود در محله اشاره نموده اند زنان نسبت به مردان به راه‌ها بیشتر توجه نموده اند همچنین مسیریابی آنان بر پایه ی مسیریابی توسط نشانه‌های شاخص در سطح محله می‌باشد به جهات اصلی نسبت به مردان کمتر توجه نموده اند. مردان در سطح محله در حین رفتار مسیریابی اضطراب کمتری داشته اند با توجه به جزئیات مطرح شده در نقشه گرافیکی این امر قابل مشهود است. زنان هوشبهر بالا از اتکا به نفس هوشمندانه‌ای برخوردارند و تفکرات خود را به راحتی مطرح میکنند و برای موضوعات ذهنی ارزش قائلند و طیف گسترده‌ای از علایق ذهنی و زیبایی شناختی دارند. مردان در نقشه ذهنی خود به نشانه‌های شاخص که به لحاظ عملکردی و فرم نسبت به سایر بافت متمایز هستند همانند هتل هما شماره ۲، مجتمع مشهد مال، روزنامه قدس اشاره نموده است. مردان در مسیریابی خود بیشتر از راه‌ها استفاده می‌نمایند در ادامه با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در نقشه ذهنی زنان آنان در مسیریابی از عناصر شاخصی همچون بانک آینده، آب انار ملس و مجتمع پاژ اشاره نموده اند همچنین به گره‌های عملکردی و ترافیکی همچون میدان جانباز، فلکه ی پارک ملت اشاره نموده اند. بانک ملی عنصر مشترک در نقشه ی ذهنی زنان و مردان می‌باشد. هر دو جنس به پهنه ی تجاری در راسته ی خیابان سجاد پرداخته اند. زنان در نقشه ی ذهنی خود به پهنه ی آموزشی واقع در خیابان امین اشاره نموده اند.

مردان راهکارهای مسیریابی را که براساس ارجاعات جهانی مانند نقاط قطب نما یا موقعیت خورشید است، ترجیح می‌دهند. در حالی که زنان به استفاده از راهکارهای مسیریابی که بر پایه ارجاعات محلی مانند سلسله مراتب گردش به سمت چپ و راست و نشانه‌ها استوار است، اعتماد می‌کنند. در نتیجه برداشتن نشانه‌های محلی، در مسیر یابی زنان تاثیر گذار تر از مردان است. زنان از علامت گذاری با استفاده از نشانه‌ها در مسیریابی استفاده می‌نمایند. مردان تمایل به جهت‌گیری و استفاده از مراحل فرآیندی در مسیریابی دارند. بررسی تفاوت جنسیت در شناخت فضایی نشان دهنده تفاوت‌های زیاد و واضح میان زنان و مردان می‌باشد. بسیاری از مطالعات بیان می‌کنند زنان در شناخت موضوعات و تعیین مسیر، مسیریابی دقیق‌تر و موفق‌تری دارند.

بحث و نتیجه گیری

(ملایی و همکاران، ۱۳۹۰) در پژوهش خود تحت عنوان تفاوت جنسیتی و هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان به بررسی تفاوت جنسیتی دانشجویان پرداخته اند که در نتایج خود به نتایج ذیل اشاره نموده اند که دانشجویان دختر در مؤلفه های خودکنترلی، خود آگاهی و هوشیاری اجتماعی مقیاس هوش هیجانی نمرات بالاتری داشتند در دو خرده مقیاس خودانگیزی و مهارت اجتماعی، اختلاف معنی داری بین دو جنس وجود داشت. همه مؤلفه های هوش هیجانی در دو جنس تفاوت ندارند، ولی مؤلفه های هوشیاری اجتماعی و خود کنترلی تحت تأثیر جنسیت هستند. (صفری دهنوی و عابدی، ۱۳۹۰) در پژوهش خود تحت عنوان رابطه بین سن، تحصیلات، سابقه خدمت و جنسیت با هوش هیجانی و هوش شناختی به مدیران سه مقطع در منطقه لنجان اصفهان به نتایج ذیل دست یافتند که بین مؤلفه های هوش هیجانی، خود کنترلی و سابقه شغلی همبستگی معنادار وجود دارد و بین خود کنترلی و جنسیت همبستگی مثبت و بین خود انگیزی و جنسیت همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. (امیری و پرتایبان، ۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان رابطه مؤلفه های هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان دانشگاه پیام نور با نقش تعدیل کننده جنسیت، سن و تحصیلات به نتایج ذیل دست یافتند که بین مؤلفه های خود آگاهی و خود انگیزی هوش هیجانی و همچنین بین کل هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان پسر، رابطه مثبت وجود دارد و بین مؤلفه های خود آگاهی، مهارت و کل هوش هیجانی با خلاقیت پسران و دختران، بین مؤلفه خود انگیزی با خلاقیت دانشجویان با مدرک فوق دیپلم و لیسانس و بین مؤلفه خود انگیزی با خلاقیت دانشجویان در سنین مختلف تفاوت معنی دار وجود دارد. (امینایی و شهابی کاسب، ۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان مقایسه ی هوش هیجانی منجیان غریق بر اساس جنسیت و سابقه به یافته های ذیل دست یافتند تفاوت معناداری در هوش هیجانی و مؤلفه ها و خرده مقیاسهای آن میان منجیان غریق وجود ندارد. همچنین ویژگیهای مسئولیت پذیری اجتماعی، شادمانی و روابط بین فردی به ترتیب در بالاترین سطح جای داشتند. بهطور کلی نتایج پژوهش حاضر بیانگر سطح مطلوب هوش هیجانی در منجیان غریق بود. (مامی و محمدبیگی، ۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان جنسیت و مهارت های چهارگانه هوش هیجانی نتایج پژوهش نشان داد که بین میزان هوش هیجانی و مهارت های چهارگانه آن (خود آگاهی هیجانی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مدیریت روابط) دختران و پسران تفاوت معنی داری وجود دارد و میانگین نمرات هوش هیجانی و مهارت های چهارگانه آن در دختران بیشتر از پسران است. (کوستا و همکاران، ۲۰۲۰) در پژوهش خود تحت عنوان هوش هیجانی و بهزیستی: ارتباطات و اثرات جنسی و سنی در دوران نوجوانی به نتایج ذیل دست یافتند که پسران سطوح بالاتری از ارزیابی خود هیجانی، استفاده از احساسات و تنظیم هیجانات را داشتند، در حالی که دختران سطوح بالاتری از ارزیابی سایر احساسات را نشان دادند. (مارتینز مارین و همکاران، ۲۰۲۰) در پژوهش خود تحت عنوان خودپنداره جنسیتی و جنسیت به عنوان پیش بینی کننده های هوش هیجانی: مقایسه ای از طریق سن به نتایج ذیل دست یافتند که توجه عاطفی توسط خودپنداره جنسیتی زنانه، اما وضوح و ترمیم عاطفی توسط خودپنداره جنسیتی زنانه و مردانه پیش بینی شد. جنسیت فقط برای ترمیم عاطفی در گروه میانسال مرتبط بود. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش صفری دهنوی و عابدی همگرا می باشد که زنان هوش هیجانی بالاتری نسبت به مردان دارند علاوه بر آن عزت نفس بالاتری دارند و همدلی و مسئولیت پذیری بیشتری نسبت به مردان دارند. همچنین پژوهش حاضر با پژوهش مامی و محمدبیگی نیز هم راستا می باشد.

چهار مهارت هوش هیجانی در مدل مایر و سالووی که به هم وابسته هستند به نحوی که تبحر در یک مهارت بر استادی سایر زمینه ها اثر می گذارد مهارت مهم مدنظر مهارت دوم است که به استفاده از هیجان به منظور آسان فکر کردن در باره ی توانایی اتسافاده کردن یا به وجود آوردن هیجان برای جلب توجه، منتقل کردن احساس و وارد شدن در فرآیندهای شناختی از قبیل تعقل، مسئله گشایی و تصمیم گیری است. از جمله عوامل تاثیر گذار در تصمیم گیری و کنترل هیجانات در فضای شهری نقش عامل جنسیت بر رفتار انسان می باشد لذا با بررسی تاثیر جنسیت بر هوش هیجانی و رفتار مسیریابی در فضای شهری زنان مسیریابی موفق آمیزی نسبت به مردان

در فضای شهری به واسطه ی کنترل احساسات دارند. در ادامه مردان نیز با توجه به اینکه مردان استقلال فردی بیشتری دارند در مسیریابی سهولت بیشتری به واسطه ی مستقل بودن در فضای شهری دارند. مردان در فضای شهری استرس کمتری در هنگام مسیریابی دارند.

راهکارها:

- طراحی نشانه های محلی با تاکید بر نورپردازی در جهت خوانایی و سهولت مسیریابی زنان و مردان
- طراحی گره های ترافیکی با استفاده از رنگ آمیزی به منظور تحریک هیجانات
- ارتقاء کیفیت پیاده روها با تاکید بر اصل کف سازی به منظور ترغیب به پیاده روی در جهت حضور پذیری در فضای شهری
- طراحی نماهای ابنیه شاخص با تاکید بر ارتقاء سهولت مسیریابی در جهت تسهیل تفکر
- ارتقاء مولفه های ادراکی -معنایی در جهت افزایش حس تعلق شهروندان به محله سجاد
- توجه به تناسبات بصری و فضایی به منظور افزایش جذابیت و کشش حرکت در فضا
- ارتقاء تعاملات اجتماعی با استفاده از فراهم آوردن تسهیلات جهت استراحت، نشستن، گفتگو و مناسبت های اجتماعی

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- امیری، م، پرتابیان، ا، (۱۳۹۶)، رابطه مولفه ها هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان دانشگاه پیام نور با نقش تعدیل کننده جنسیت، سن و تحصیلات، نامه آموزش عالی، دوره ی جدید، سال یازدهم، شماره چهل و چهارم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۱۳-۲۳۷.
- امینایی، ع، شهابی کاسب، م، (۱۳۹۳)، مقایسه ی هوش هیجانی منجیان غریق بر اساس جنسیت و سابقه، مطالعات روان شناسی ورزشی، شماره ۷، بهار، صص ۹۳-۱۰۶.
- شکیبا، شیمافتی، لادن، فرید، علی. (۱۳۸۷)، رابطه تیپ های روان شناختی و هوش هیجانی - اجتماعی: نکاتی کاربردی درباره هوش هیجانی، فصلنامه روان شناسی کاربردی، ۴: ۶۲۵، ۶۰۷.
- صفری دهنوی، ی، عابدی، احمد، (۱۳۹۰)، رابطه بین سن، تحصیلات، سابقه خدمت و جنسیت با هوش هیجانی و هوش شناختی مدیران سه مقطع در منطقه لنجان اصفهان، رویکردهای نوین آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه اصفهان، سال ششم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۳-۹۸.
- شورچی گلنگداری، فاطمه، حسین ثابت، فریده، مهاجر، یحیی. (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر آموزش هوش هیجانی به روش درونگردی جذب و انطباق بر تاب آوری و پرخاشگری در دختران و پسران، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۹۲.
- مامی، ش، محمدبیگی، ز، (۱۳۹۳)، جنسیت و مهارت های چهارگانه هوش هیجانی، مجله تحقیقات نظام سلامت، ۱۰، ۱۳۹۳، ۴: ۶۸۴-۶۸۷.
- مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۰)، روان شناسی محیط و کاربرد آن. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

ملایی، ع، آسایش، ح، تقوی کیش، ب، قربانی، م، (۱۳۹۰). تفاوت جنسیتی و هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی بویه گرگان، دوره هشتم، شماره ۲، پائیز و زمستان ۱۳۹۰، صفحات ۳۰ تا ۳۴.

A. Mueller, Stacey A. Wood, Yaniv Hanoch, Yumi Huang & Catherine L.Reed, (2020) Older and wiser: age differences in susceptibility to investment fraud: the protective role of emotional intelligence, *Journal of Elder Abuse & Neglect*, DOI: 10.1080/08946566.2020.1736704.

Anastasiou, S, (2020) The moderating effect of age on preschool teachers trait emotional intelligence in Greece and implications for preschool human resourced management, *International Journal of education and practice* 2020 vl.8, No1. pp26-36.

Aram ,F , Ebrahim Solgi, Ester Higuera Garcia, Danial Mohammadzadeh S. , Amir Mosavi and Shahaboddin Shamsirband, (2019) Design and Validation of a Computational Program for Analysing Mental Maps: Aram Mental Map Analyzer, *Sustainability* 2019.

Bano Kazmi, A, Siddiqui, U, Siddiqui, S, (2021) emotional intelligence: source of self-efficacy among college-level instructors of Pakistan, *Performance Improvement*, vol. 60, no. 4, April 2021, DOI: 10.1002/pfi.21969.

Cai, D, Yang, C, Zhao ,J, Yang ,C, Xia ,T, Xu, Z (2021) Bidirectional Relationship Between Emotional Intelligence and Perceptions of Resilience in Young Adolescents: A Twenty-Month Longitudinal Study, *Child & Youth Care Forum*, <https://doi.org/10.1007/s10566-020-09578-x>.

Costa, H, Saavedra, F, Miguel Fernandes, H, (2020) Emotional intelligence and well-being: Associations and sex- and age-effects during adolescence, *Work* 69 (2021) 275–282 DOI: 10.3233/WOR-213476

Ewart, I. J. Johnson, H. (2021) Virtual reality as a tool to investigate and predict occupant behaviour in the real world: the example of wayfinding, *International Council for Research and Innovation in Building and Construction*, <https://doi.org/10.36680/j.itcon.2021.016>.

Güler Ufuk Doğu Demirbaş, (2001), SPATIAL FAMILIARITY AS A DIMENSION OF WAYFINDING, A THESIS FOR THE DEGREE OF DOCTOR OF PHILOSOPHY IN ART, *DESIGN AND ARCHITECTURE*, September, 2001.

Golledge, R. G. (1999). Wayfinding Behavior: Cognitive Mapping and Other Spatial Processes. *Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press*.

Goleman, (1995) Emotional Intelligence: *Issues in Paradigm Building From the book The Emotionally Intelligent Workplace* Edited by: Cary Cherniss and Daniel Goleman, 1995.

Holly A. Taylor, Tad T. Brunyé, & Scott T. Taylor, Spatial Mental Representation: Implications for Navigation System Design, 2008

Kircaburun, K, Demetrovics, Z, D. Griffiths, M, Király, O, Kun, B, Tosuntaş, S, (2018) Trait Emotional Intelligence and Internet Gaming Disorder Among Gamers: The Mediating Role of Online Gaming Motives and Moderating Role of Age Groups, *International Journal of Mental Health and Addiction* <https://doi.org/10.1007/s11469-019-00179-x>.

Kuliga, S, Berwig, M, Roes, M, (2021) Wayfinding in People with Alzheimer's Disease: Perspective Taking and Architectural Cognition—A Vision Paper on Future Dementia Care Research Opportunities, *Sustainability* 2021, 13, 1084. <https://doi.org/10.3390/su13031084>.

Kaplan, R., & Kaplan, S. (1989). *The experience of nature: A psychological perspective*. New York: Cambridge University Press.

Lynch, Kevin (1960). *The Image of the City*. *The MIT Press: Massachusetts Institute of Technology*.

Li,C, Huang,J, Li,B,(2020) The predictive effects of classroom environment and trait emotional intelligence on Foreign Language Enjoyment and Anxiety, *System*,
<https://doi.org/10.1016/j.system.2020.102393>.

Mueller,E, A. Wood,S, Hanoch,Y, Huang, Y, L.Reed,C,(2020) Older and wiser: age differences in susceptibility to investment fraud: the protective role of emotional intelligence, *Journal of Elder Abuse & Neglect*, DOI:10.1080/08946566.2020.1736704.

Martínez-Marín,M, Martínez,C, Paterna,C,(2020) Gendered self-concept and gender as predictors of emotional intelligence: a comparison through of age, *Current Psychology*
<https://doi.org/10.1007/s12144-020-00904-z>.

M. Montazerolhodjah, , M. Sharifnejad2, M. Pourjafar, The Characteristics of Distinctive Urban Elements in Citizens' Cognitive Maps (Case Study: The City of Isfahan, *Int. J. Architect. Eng. Urban Plan*, 28(1): 37-47, June 2018 .

Montello, D. R. (1991). The measurement of cognitive distance: methods and construct validity. *Journal of Environmental Psychology*, 11, 101-122.

M. Wiener,J, J. Büchner,S, Hölscher,Ch,(2009) Taxonomy of Human Wayfinding Tasks: A Knowledge-Based Approach, *Spatial Cognition & Computation*, 9:152-165, DOI: 10.1080/13875860902906496.

Majid Baba,M,Makhdomi,U,Siddiqi,M, (2021).Emotional Intelligence and Transformational Leadership Among Academic Leaders in Institutions of Higher Learning, in.sagepub.com/journals-permissions-india DOI: 10.1177/0972150918822421.

Meyer, J. D. Caruso, D. R., Salovey, Sitarenios, G. (2003). Measuring emotional intelligence with the msceit. *Emotion*.

Nagy Sarhan,A, Farghaly,Y, Amal Mamdouh,A,(2021) The influence of urban fabric typologies on pedestrian wayfinding, *Journal of Al-Azhar University Engineering Sector*, Vol.16, No. 58, January, 2021, 49-62.

Nkemakolam Okwuduba,E, Chinaza Nwosu,K, Chinelo Okigbo,E, Nkiru Samuel,N, Achugbu,C,(2021) Impact of intrapersonal and interpersonal emotional intelligence and self-directed learning on academic performance among pre-university science students, *Heliyon* 7 (2021) e06611,
<https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2021.e06611>.

Passini, R. (1984b). Spatial representations, a wayfinding perspective. *Journal Of Environmental Psychology*, 4 (2), 153-164.

Seigel, A. W. (1981). The externalization of cognitive maps by children and adults: in search of ways to ask better questions. In L. S. Liben, A. H. Patterson & N. Newcombe, (Eds). *Spatial Representation and Behavior across the Lifespan*. New York: Academic Press, pp. 167-194.

Ul Ain,N, Munir,M, Suneel,I,(2021), Role of emotional intelligence and grit in life satisfaction, *Heliyon* 7 (2021) e06829

Weisman J. (1981). Evaluating architectural legibility: Wayfinding in the built environment. *Environment and Behavior*, 13, 189-205.

Xi,D, Fan,Q, A. Yao,X, Jiang,W, Duan,D,(2019) A visual salience model for wayfinding in 3D virtual urban environments. *Applied Geography*. 75: 176-187. <http://dx.doi.org/10.1016/j.apgeog.2016.08.014>.
Xia J., C. Arrowsmith, M. Jackson, and W. Cartwright, The wayfinding process relationships between decision-making and landmark utility, *Tourism Management* 29 (2008): 445-457.

Yudes,C, Rey,L, Extremera,N,(2021) The Moderating Effect of Emotional Intelligence on Problematic Internet Use and Cyberbullying Perpetration Among Adolescents: Gender Differences, *sagepub.com/journals-permissions* ,DOI: 10.1177/00332941211031792 .

Zabihi,A, Safizadeh,M, Hedayati Marzbali,M,(2021) Wayfinding in hospital landscape: syntactical analysis of planting design in hospitals in Kerman, Iran, *Journal of Facilities Management* © Emerald Publishing Limited DOI 10.1108/JFM-12-2020-0089.

Zomer, L.(2021) Unravelling Urban Wayfinding Studies on the development of spatial knowledge, activity patterns, and route dynamics of cyclists, *Delft University of Technology*, DOI:10.4233/uuid:122bcbc0-72c6-4ab9-8aea-e39716961f46.

